

برخی از لغزشگاه‌های قلمی در اینجا بررسی و تمرین می‌شود.

قسمت اول جزوه

خطاها و مشکلات دانش‌پژوهان در نثر نویسی

دانش‌آموختگان هر کشور باید در رعایت نثر معیار، الگو باشند. متأسفیم از اینکه در جامعه علمی ما اگر بخواهیم دانش‌آموختگان عالی را الگو قرار دهیم، در بسیاری از موارد وضع طنزآمیزی پیش خواهد آمد و نثر ما به صورت تصاعدی در اغلاط و ضعف‌های قلمی غرق می‌شود. دانش‌پژوهان ما از اول ابتدایی نوشتن را آغاز کرده‌اند؛ اما اغلاطی در نگارش آنها دیده می‌شود که به اندازه سن تحصیلی آنها قدمت دارد! این پدیده نامبارک، که م‌سنله «عَرَضه» را در عرصه پژوهش و تبلیغ مختل کرده است، در اثر علل و عوامل فراوانی رخ داده است. یکی از عوامل مهم آن، این است که برخی دانش‌پژوهان ما هنوز نتوانسته‌اند نوشته‌های خود را به اهل فن نشان دهند و قلم خود را از لوث وجود این انحرافات قلمی پالایش کنند. گام اول این است که آنها به جای توجیه‌های غیرمنطقی و پیدا کردن مقصر، هر چه زودتر این لغزش‌ها را تشخیص دهند تا بتوانند گام مهمی برای زیبانویسی بردارند. در این نوشتار می‌خواهیم با توجه به استقرائی که بین صدها دانش‌پژوه در حوزه‌ها و دانشگاه‌های کشورمان انجام شده است، به چند دسته از غلط‌ها اشاره کنیم و راهکارهایی را برای رهایی از این اغلاط، به اختصار بیان کنیم.

خطا در علائم نگارشی

بی‌مهارتی در استفاده از علائم نگارشی، یکی از خطاهای معمول برای نویسندگان مبتدی است. در خانواده علائم نگارشی، نقطه، کوچک‌ترین عضو است؛ اما کاربرد فراوانی دارد. تازه‌کاران در پایان جمله، نقطه نمی‌گذارند و گاهی به جای آن، ویرگول می‌گذارند! بعضی‌ها نیز به جای ویرگول از نقطه استفاده می‌کنند. استفاده نکردن از علائم یا آوردن آنها در غیر از جای اصلی خود، هر دو اشتباه است. در استفاده از ویرگول، که برای مکث کوتاه است، افراط و تفریط دیده می‌شود. آوردن نقطه و واو در یک جا اجتماع ضدین پیش می‌آورد. برخی از نویسندگان محترم نمی‌دانند که نقطه و ویرگول (؛) می‌خواهد بگوید: «جمله قبل از من، از لحاظ دستوری (نهاد و گزاره) کامل است؛ اما جمله بعد از من، به جمله قبلی وابسته و نیازمند است و شما (خواننده)، شبه‌جمله یا عبارت بعدی را به جمله قبل ملحق کنید.» بی‌مهارتی در استفاده

از علامت سؤال نیز از اینجا معلوم می شود که آنها بعد از سؤال غیرمستقیم نیز علامت سؤال قرار می دهند؛ مثلاً می نویسند: «در این مقاله بررسی خواهیم کرد که معانی وحی چیست؟». به هر حال، افراط و تفریط‌های متعددی در باره این علائم رخ داده است. باید توجه داشته باشیم که مهارت در علائم نگارشی به نحوی به مهارت در جمله‌سازی برمی‌گردد.

خطا در جمله‌نویسی

جمله، کوچک‌ترین واحد پیام‌رسانی، نیز در نوشتار دانش‌پژوهان با انواع آسیبها دست به گریبان است. آوردن یک جمله طولانی با انواع حال، تمییز، متمم‌ها و قیود متنوع عیب است و روانی بیان را از بین می‌برد. جا به جایی بی‌مورد اجزای جمله، ابهام‌آور است و شیوایی و رسایی را مخدوش می‌کند. در چینش اجزای جمله نیز واقعا لغزش‌هایی وجود دارد. باید عنایت داشته باشیم که ترتیب معمولی ارکان و اجزای جمله به این شرح است: «نهاد و وابسته‌های آن + مفعول و وابسته‌های آن + متمم و وابسته‌های آن + وابسته-های فعل (مثلاً قید) + فعل». مثال: علی، ابرمرد تاریخ، گل هستی اش را در ظلمت شب مظلومانه به خاک سپرد (بر بال قلم، ص ۶۵). یک لغزش بسیار مهم این است که چند جمله متعدد را با واو، بر هم عطف می‌کنند. آنها فکر می‌کنند اگر بین جمله‌ها واو نیاورند، جمله‌ها از هم فرار می‌کنند! یک دانش‌آموز دوم ابتدایی، ۴۵ جمله را در یک نوشتار بر هم عطف کرده بود.^۱ مریبان از شباهت‌هایی که بین دانش‌آموختگان و بچه‌های ابتدایی وجود دارد، شگفت زده می‌شوند. حتی جملات کوتاه را نیز نباید به صورت زنجیروار بر هم عطف کرد. همچنین، بسیار مشاهده شد که جمله با «که» شروع شده است؛ غافل از اینکه بعد از نقطه، نباید از «که» یا «واو» استفاده کنیم. بعد از بررسی علائم، که کوچک‌ترین جزء زبان هستند، اکنون می‌توانیم غلط‌نویسی را در واژه‌گزینی بررسی کنیم.

خطا در واژه‌گزینی

یکی از غلط‌های رایج در زمینه واژه‌گزینی این است که در حد افراط، از واژگان عربی استفاده می‌شود. یکی از اصول واژه‌گزینی به ما می‌گوید: «به طور کلی تا زمانی که الفاظ فارسی خوب و جاافتاده دارید، از

^۱ - معمولاً با آوردن بسیاری از عبارات انتقالی، از حروف عطف بی‌نیاز می‌شویم و می‌توانیم نقطه بگذاریم. برخی از این عبارات انتقالی عبارت‌اند از: بنابراین، سپس، به همین علت، با این حال، با وجود این، این مطلب، این نکته.

زبان‌های دیگر وام نگیرید.» گرت‌برداری، از مصادیق پذیرش تهاجم فرهنگی در محدودهٔ زبان است.^۲ البته، نباید فکر کنیم که باید برخی از واژگان عربی الاصل (مانند علم) را در نوشته‌هایمان به «دانش» تبدیلی کنیم. همچنین، به کاربردن «لذا» بسیار شایع شده است؛ با اینکه عبارت‌هایی مانند «از این رو، بنابراین، به همین جهت» معادل‌های خوبی برای آن هستند. در برخی نوشتارها، الفاظ فارسی تنوین‌دار شدند! الفظی مانند ناچاراً، گاهاً، زبانا، دوماً، خواهشاً و چهرتاً، بدون تردید غلط محسوب می‌شوند.^۳ خطاهای واژه‌یابی به همین جا ختم نمی‌شود.

خطا در وصل و فصل

وصل نویسی افراطی نیز نوعی دیگر از خطاها در مبحث واژگان است. باید بدانیم که ما در نگارش، «برای فصل کردن آمدیم». حرف ربط «به» را به اشتباه، نباید به بسیاری از کلمات بعد از آن وصل کنیم. «بدنیا، بخاطر، بدست» و مانند آنها غلط است. «تر» و «ترین» را نیز نباید متصل نوشت. کلماتی مانند «فیلسوف بنام»، «کار بسزا» به سبب اینکه «ب» پیشوند است، نه «حرف ربط»، صفت محسوب می‌شوند و غلط نیستند. بارها دیده شد که حرف «را» به اسمهای اشاره «این» و «آن» وصل شده بود. از این رو، «اینرا» و «آنرا» غلط است. «اینست» و «آنست» نیز خطاست. در زمینه وصل و فصل، آنچه در کتاب **دستور خط فارسی** مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی آمده است، باید الگو قرار داده شود.

خطا در استفاده از وجه وصفی فعل

جمله‌هایی که به وجه وصفی افعال ختم می‌شوند نیز برای برخی دانش پژوهان به یکی از معضلات نگارشی تبدیل شده است. در کاربرد وجه وصفی، باید هم میانه رو باشیم و هم شروط کاربرد آن را رعایت کنیم. ما نمی‌توانیم در یک جمله از دو یا چند وجه وصفی استفاده کنیم. علاوه بر آن، بعد از وجه وصفی، باید یک ویرگول بگذاریم و واو نیاوریم. یک مثال درست: «زینب وضو گرفته، مانند یک عارف به نماز ایستاد». اکنون یک مثال نیز برای کاربرد غلط وجه وصفی ذکر می‌کنیم: «دانش‌پژوهان شیوه‌نامه را مطالعه کرده، آزمایش قلم را انجام داده، آن را به مربی داده، مربی آن را غلط‌گیری کرده، به آنها برگشت داده،

^۲ - گرت‌برداری، به واژه‌گزینی منحصر نمی‌شود و ممکن است در جمله و دستور زبان نیز واقع شود.

^۳ - نباید کلمه «اکثراً» را که در عربی تنوین نمی‌پذیرد، در فارسی، با تنوین استفاده کنیم.

- تصمیم گرفتند خطاها را تکرار نکنند. « وجود این جملات در یک بند، آن را از شیوایی و فصاحت می اندازد. ^۴

روش بندچینی

خطای دیگر برخی افراد مبتدی و حتی غیرمبتدی در بندچینی است. آنها نمی دانند که باید در ابتدای بند، جمله موضوعی (**topic sentence**) بیاورند. جمله موضوعی به منزله اعلام برنامه در یک مراسم است و مانند یک قرارداد بین نویسنده و خواننده است. وحدت موضوعی و انسجام هر بند را با وفاداری و حرکت در جهت جمله موضوعی باید حفظ کنیم. خوانندگان، به ویژه خوانندگان امروزی، با پراکنده گویی میانه خوبی ندارند. هر نوشتاری یک موضوع دارد. از لحاظ مهندسی پیام، باید در ذهن خود بتوانیم این موضوع عام را به موضوع ها و پیامهای ریزتری تجزیه کرده، در هر بند به یکی از آن قطعات پردازیم. مجموع جمله‌های موضوعی در ابتدای بندها، باید مدعا یا تز اصلی نوشتار را که در مقدمه آمده است، نشان دهند.^۵ ساختار درونی هر بند، نیز از چند جمله مرتبط به هم تشکیل می شود.^۶ جملاتی که بعد از جمله موضوعی ذکر می شوند، پشتیبان نام دارند. جملات پشتیبان، می توانند اثبات، انکار، بسط یا شرح جمله موضوعی باشند. در بندهای استدلالی، پشتیبان اصلی (ادله) را باید جلوتر از پشتیبان فرعی (شواهد و مؤیدات) ذکر کنیم. علاوه بر اینها، باید سعی کنیم در انتهای هر بند، یک جمله رابط بیاوریم تا زمینه را برای بند بعدی به صورت طبیعی و منطقی آماده کنیم. به هر حال، خواننده نباید احساس کند بین بندها گسست و طفره وجود دارد.

خطا در کوتاه نویسی

حشوهای زاید در قلم، تقریباً به یک درد بی درمان تبدیل شده است و مانند علف‌هایی هرز مزرعه قلم را احاطه کرده اند. تقریباً در تمام اجزای نوشتارها حشو دیده می شود. موارد حشو عبارت اند از: افراط در

^۴ - در جمله «علی میوه را شسته و با حرص و ولع آن را خورده است»، فعل «است» را به سبب قرینه لفظی حذف کردیم و ذکر واو در این موارد اشکالی ندارد. این موارد، با بحث وجه وصفی فرق می کند.

^۵ - این مدعا یا تز اصلی، باید با عنوان یا موضوع نوشتار هماهنگ باشد.

^۶ - در چینش جملات درون هر بند باید یکی از الگوهای ذیل را رعایت کنیم: ۱- ترتیب مکانی؛ ۲- ترتیب زمانی؛ ۳- از کلان به خرد یا از کل به جزء؛ ۴- از خرد به کلان یا از جزء به کل؛ ۵- از کلی به جزئی و مصادیق؛ ۶- از جزئی و مصادیق به کلی؛ ۷- پرسش، روش و پاسخ؛ ۸- از انگیزه به انگیزه؛ ۹- از اهم و پرارزش به کم اهمیت و کم ارزش؛ ۱۰- برعکس حالت نهم و ...

علائم نگارشی، تعدد عطف بین دو یا چند صفت به بهانه عطف تفسیری، عبارت هایی که به صورت تکیه - کلام و از روی عادت به کار می روند، تکرار لفظی و معنوی و افزودن بندهای لغو و بی مصرف. این عیب بیش از همه در گفتار به چشم می خورد. آوردن حشو در چکیده پایان نامه و مقاله مانند گناه کبیره است. خلط منب و دفتر، این حشوها را به نوشتار سرایت داده است. اگر بخواهیم در این نوشتار مختصر، مثالهایی برای برخی از حشوها بیاوریم، می ترسیم به حشو مبتلا شویم؛ زیرا یافتن مصادیق این پدیده، کاری آسان است.

نتیجه بحث

بدین ترتیب، با یک بررسی اولیه در نوشتار بسیاری از دانش پژوهان درمی یابیم که آنها در نگارش کوچک - ترین جزء زبان (علائم نگارشی) تا بزرگ ترین واحد پیام رسانی (بند) با انواع لغزشها و انحرافات قلمی مواجه اند و شگفت آورتر این است که هنوز نمی دانند درست نمی نویسند. بسیاری از آنها نمی دانند که باید از فرهنگستان زبان و ادب فارسی پیروی کنند. فرهنگستان، به عنوان مؤسسه رسمی و ملی کشور، در مورد حفظ و ارتقای زبان فارسی برنامه ریزی می کند. خطاهایی که در نوشتار بزرگان غیرمتخصص در زبان، دیده می شود نباید برای مبتدیان بدآموزی داشته باشد و عاقلانه نیست برای توجیه خطاها، آنها را شاهد بیاوریم. رجوع به متخصص، یک امر عقلی است و هر عاقلی آن را قبول دارد. برخی از خطانویسان می گویند: «ما به محتوا می اندیشیم! ویراستار نیز باید نانی بخورد!». این توجیه، حاکی از عدم مسئولیت پذیری است و برای کسانی مناسب است که حال ندارند زبان ملی و رسمی جامعه خود را یاد بگیرند. واضح است که با قلم بد، هیچ تضمینی برای انتقال صحیح پیام وجود ندارد. نگارنده بر این عقیده است که در این موارد، سخن گهربار حضرت علی - علیه السلام - را باید یادآور شد که فرموده است: «الناس اعداء ما جهلوا». مشکل اصلی غلط نویسان این است که از روند بهسازی قلم تصور درستی ندارند. آنها نمی دانند که اگر همت کنند با نظارت مربیان خطاشناس، می توانند در ظرف چند ساعت و چند تمرین کوتاه، به قلم آبرومندان ای دست یابند. مربیان در این نوع کارگاه های آموزشی، به آسیب شناسی می پردازند و با ترکیبی از آموزش و آزمایش، اعتماد به نفس در عرصه نگارش را برای متربیان به ارمغان می آورند